

## علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن

محمد عزتی بخشایش\*

DOI: 10.22096/rc.2025.2057431.1251

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰]

### چکیده

در این نوشتار، قرآن نه صرفاً به مثابه متنی مقدس، بلکه در جایگاه یکی از منابع معرفتی مورد تأمل قرار گرفته است. پرسشی که در این میان رخ می‌نماید درباره جایگاه آن در هندسه معرفت بشری است. جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی که با محوریت مطالعه متن قرآن صورت گرفته است بر آن است که امکان مرجعیت علمی قرآن را از دل متن استخراج کند؛ از این رو نخستین گام را در استفسار از خود قرآن می‌گذارد؛ آیا این متن، خویش را مرجعی در ساحت علم می‌داند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مرجعیت علمی قرآن با ۹ دسته از آیات قابل اثبات است: نخست، آیاتی که بر هدایت عام قرآنی دلالت دارند؛ دوم، آیاتی که قرآن را هدایت‌گر به اقوم‌ترین امور می‌شمرند؛ سوم، آیاتی که قرآن را «تبیان» می‌دانند؛ چهارم، آیاتی که از غلبه اسلام بر سایر مکاتب حکایت می‌کنند؛ پنجم، آیاتی که قرآن را در جایگاه متنی حکیمانه نشانده‌اند؛ ششم، آیاتی که قرآن را نور می‌شمارند؛ هفتم، آیاتی که آن را قیّم جوامع بشری معرفی می‌کنند؛ هشتم، آیاتی که بر محدودیت دانش بشری تأکید دارند و نهم، آیاتی که ایمان را عامل پیشرفت جوامع قلمداد می‌کنند. با توجه به گروه نه‌گانه آیات، مرجعیت علمی قرآن قابل اثبات است.

**واژگان کلیدی:** مرجعیت علمی قرآن؛ علم؛ قرآن؛ ادله قرآنی؛ تبیان؛ هدایت.

\* دانش‌آموخته سطح چهار، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Email: m.e.bakshayesh.1360@gmail.com



## ۱. مقدمه

علم همواره در سرنوشت جوامع بشری نقشی بنیادین ایفا کرده است. جوامعی که در دانش پیشتاز بوده‌اند، مسیر پیشرفت و اقتدار را پیموده‌اند و ملت‌هایی که از آن عقب مانده‌اند در حاشیه و زیر سلطه قرار گرفته‌اند. این پیوند عمیق میان علم و قدرت در سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بازتاب یافته است: علم اقتدار است، هرکس آن را به دست آورد، دست برتری دارد و آنکه از آن محروم است، تحت سلطه خواهد بود.<sup>۱</sup>

با توجه به این جایگاه کلیدی علم، پرسش مهمی مطرح می‌شود: آیا اسلام به‌ویژه قرآن کریم، صرفاً متنی دینی و اخلاقی است یا می‌تواند در مقام هدایت علمی بشر نیز ظاهر شود؟ قرآن، نه تنها بی تفاوت به علم نیست، بلکه بزرگ‌ترین معجزه آن «کتاب» است و نخستین پیام وحی نیز با «اقرأ» آغاز شده است. افزون بر آن، قرآن «أُولُوا الْعِلْمِ» را هم‌ردیف خداوند و فرشتگان، در مقام شهادت به یگانگی خدا قرار داده است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ».<sup>۲</sup>

در فضای فکری امروز که مسئله علم دینی و نسبت دین با دانش بشری یکی از محوری‌ترین مباحث معرفت‌شناختی است، پرداختن به «مرجعیت علمی قرآن» از ضرورتی دوچندان برخوردار شده است. موضوع مرجعیت قرآن در ساحت علم همچنان با خلأهای پژوهشی مواجه است. با وجود تلاش‌هایی در گذشته، اغلب این آثار به کلی‌گویی یا رویکردهای غیرمستقیم محدود شده‌اند و کمتر پژوهشی با تمرکز مستقیم بر آیات قرآن به تبیین مرجعیت علمی آن پرداخته است.

این پژوهش بر آن است تا با رجوع به متن قرآن، «مرجعیت علمی قرآن» را از دل آیات الهی استخراج کند. هدف آن است که نشان داده شود قرآن نه فقط در هدایت اخلاقی و اعتقادی، بلکه در «جهت‌دهی و راهبری علوم ساخت‌یافته بشری» نیز سخن دارد. از این رهگذر، گامی نو در ترسیم جایگاه معرفتی قرآن در منظومه دانش معاصر بردارد.

۱. عبدالحمید بن هبته الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد ۲۰ (قم: قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق)، ۳۱۹.  
۲. آل عمران، آیه ۱۸.

## ۲. پیشینه

مسئله رجوع به قرآن و قرار دادن آن به‌عنوان محور در امور گوناگون از مسائل نوپدید نیست و سابقه آن به زمان نزول قرآن برمی‌گردد. آیات قرآن که آن را تبیان برای تمام امور معرفی می‌کنند، دلیل اصلی این مسئله هستند. علاوه بر این، روایات متواتر «ثقلین» مهم‌ترین سند برای ریشه‌دار بودن این موضوع در زمان پیامبر (ص) است.

روایات نقل‌شده از اهل بیت علیهم‌السلام که تعداد آنها بیش از سی روایت (با حذف روایات تکراری) است، بیانگر جایگاه ویژه مسئله مرجعیت نزد این بزرگواران است. اصطلاح «مرجعیت علمی قرآن»، اگرچه پیش از این سابقه نداشته است، اندیشمندان پیشین همچون غزالی (۵۰۵ ق) در *احیاء العلوم*<sup>۳</sup>، المرسی (۶۵۵ ق) در تفسیرش،<sup>۴</sup> زرکشی (۷۹۴ ق) در *البرهان*،<sup>۵</sup> سیوطی (۹۱۱ ق) در *الاتقان*،<sup>۶</sup> ملاصدرا (۱۰۵۰ ق) در *شرح اصول کافی*،<sup>۷</sup> فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) در *تفسیر صافی*<sup>۸</sup> و طنطاوی (۱۳۵۸ ق) در *تفسیر الجواهر*<sup>۹</sup> به محوریت قرآن در تولید علم و استخراج علوم از آن پرداخته‌اند.

اصطلاح «مرجعیت علمی قرآن» در سال‌های گذشته مورد توجه بیشتری قرار گرفته و آثار محدودی به‌طور تخصصی به آن پرداخته‌اند. برخی از این آثار عبارتند از:

۱- «نگاهی نو به مرجعیت علمی قرآن بر پایه کلام مقام معظم رهبری» (اعرابی) اثری که دیدگاه‌های مقام معظم رهبری را در باب مرجعیت علمی قرآن در ابعاد گوناگون واکاوی می‌نماید.

۲- «مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی»<sup>۱۰</sup> در این اثر، گونه‌های مرجعیت علمی قرآن و شواهد آن از منظر علامه طباطبایی تبیین شده است.

۳. ابوحامد محمد غزالی، *احیاء علوم‌الدین*، تحقیق: عبدالرحیم‌بن‌حسین حافظ عراقی، جلد ۳ (بیروت: دارالکتب العربی، بی‌تا)، ۱۳۵.

۴. جلال‌الدین سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، جلد ۴ (مصر: هیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۹۴ ق)، ۳۰.

۵. بدرالدین محمدبن‌عبدالله زرکشی، *البرهان فی علوم القرآن*، جلد ۲ (بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ ق)، ۱۸۱.

۶. سیوطی، *الاتقان*، ۴: ۲۸.

۷. محمدبن‌ابراهیم صدرالدین شیرازی، *شرح اصول کافی*، تحقیق: محمد خواجه‌بوی، جلد ۲ (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ۳۷۵.

۸. محمدمحسن فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، جلد ۱ (ایران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق)، ۵۷.

۹. محمد طنطاوی جوهری، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، جلد ۱۵ (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ ق)، ۲۸۱.

۱۰. محمد فاکر مبدی و محمدحسین رفیعی، «مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی»، *مطالعات علوم قرآنی*، شماره ۱ (مهر ۱۳۹۸): ۸-۳۷.

- ۳- «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم»<sup>۱۱</sup> نویسنده علم دینی را بی‌معنا دانسته دانسته و کارکرد دین را حداقلی شمرده است.
- ۴- «نقد درون‌گفتمانی جریان علوم انسانی قرآن‌بنیان»<sup>۱۲</sup> اثری است که به نقد نظریه اسلامی‌سازی علوم پرداخته است.
- ۵- یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های پژوهشی در این حوزه، مجموعه مقالات همایش مرجعیت علمی قرآن است که متشکل از حدود صد و پنجاه مقاله تخصصی در پنج محور کلان است: مفاهیم و ادله مرجعیت علمی قرآن، مبانی این مرجعیت، مرجعیت علمی قرآن در علوم اسلامی، مرجعیت علمی قرآن در علوم انسانی و تجربی و روش‌های تحقق این مرجعیت. این مجموعه در دست چاپ است.

نظریه مرجعیت علمی قرآن برای نوپدید بودنش، خلأهای زیادی دارد. مباحث مربوط به ادله و مبانی مرجعیت علمی قرآن و اندک آثار تدوین‌شده در این زمینه با موضوع این مقاله ارتباط نزدیکی دارند؛ برخی از آثار موجود، دلایل روایی و برخی مبانی نقلی را واکاوی کردند، مانند مقاله «ادله روایی مرجعیت علمی قرآن»<sup>۱۳</sup> و مقاله «مبانی مرجعیت علمی قرآن از منظر دکتر صادقی تهرانی»<sup>۱۴</sup>. اما هیچ‌کدام ادله قرآنی مرجعیت را مورد مذاقه قرار نداده‌اند و مقاله پیش‌رو اولین اثر در این زمینه است؛ از این‌رو گریزی از کاستی‌های احتمالی در این مقاله نیست.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادین نظری با رویکرد نقلی-عقلی است. داده‌های تحقیق متنی و مفهومی‌اند و تحلیل آنها با روش تفسیر اجتهادی صورت گرفته است. در تحلیل آیات، قواعدی چون ظهور الفاظ، تحلیل نحوی و سیاقی، مراجعه به منابع لغوی اصیل و تفسیر قرآن به قرآن به کار رفته و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. برای استخراج الگوهای

۱۱. عبدالکریم سروش، «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم»، در: علم دینی، دیدگاه‌ها و ملاحظات، به کوشش سید حمیدرضا حسینی و دیگران (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲)، ۳۳۵-۳۶۱.

۱۲. سید محمدتقی ابطی، «نقد درون‌گفتمانی جریان علوم انسانی قرآن‌بنیان»، راهبرد فرهنگ ۱۶، شماره ۶۴ (زمستان ۱۴۰۲): ۳۳-۵۸.

۱۳. محمد عزتی بخشایش، «ادله روایی مرجعیت علمی قرآن کریم»، مطالعات علوم قرآنی ۶، شماره ۲ (اسفند ۱۴۰۳): ۳۳-۶۳.

۱۴. سید محمود طیب حسینی و حسین شم‌آبادی، «مبانی مرجعیت علمی قرآن از منظر دکتر صادقی تهرانی»، پژوهش‌های قرآنی ۲۹، شماره ۱۱۱ (شهریور ۱۴۰۳): ۱۳۳-۱۶۰.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی‌بخشایش ۱۸۱

مفهومی، روش تحلیل مضمون‌کاوی به کار گرفته شده است. در این فرایند، مفاهیم کلیدی در نه محور قرآنی دسته‌بندی و به صورت تم‌های اصلی و فرعی سازمان‌دهی شده‌اند. در مرحله کاریست نظریه، آیات مربوط به حکمرانی اسلامی با رویکرد مضمون‌مدار بازخوانی و ساختار تحلیلی آنها ترسیم گردید تا ظرفیت مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم سیاسی روشن گردد.

#### ۴. تبیین مفهومی مرجعیت

«مرجعیت» مصدر جعلی از ماده «رجع» اشتقاق یافته و به معنای محل رجوع و مراجعۀ دیگران است؛<sup>۱۵</sup> اما در اصطلاح در معانی مختلفی به کار رفته است از جمله منبعیت، اولویت، اولیت، جامعیت، حاکمیت، میزان بودن و مرجعیت پارادایمی.<sup>۱۶</sup> هرچند تعاریف مذکور که در نوشتارهای مختلفی بیان شده است، خالی از اشکال نیست و برخی از این معانی متداخل در معانی دیگر است، آنچه در این نوشتار مدنظر ما است معنای جامع است. به نظر نگارنده، تعریف زیر می‌تواند معنای بهتر و جامعی برای مرجعیت باشد: «مرجعیت علمی قرآن کریم یعنی جهت‌دهی و راهبری علوم ساخت‌یافته بشری توسط قرآن کریم». این جهت‌دهی ممکن است از طریق روش‌های زیر باشد:

۱- استنباط محورهای مختلف یک علم اعم از گزاره‌ها، مبانی، روش‌ها و ... از قرآن؛

۲- معیار بودن قرآن برای سنجش سره از ناسره علوم از جهات مختلف؛

۳- تغییر بینشی و نگرشی؛

۴- کمال‌بخشی به یافته‌های بشری.

بنابر آنچه از تعریف مرجعیت گذشت، نما و نمود تعریف پیش‌گفته ممکن است نسبت به هر علمی متفاوت باشد؛ مثلاً آنچه از مرجعیت قرآن در علم فقه مدنظر است، متفاوت با مرجعیت آن در علم اقتصاد است. همچنان که ممکن است در یک مورد چند معنا از مرجعیت لحاظ شود.

۱۵- احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، جلد ۲ (قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ق)، ۲۲۰.

۱۶. فاکر مبدی و رفیعی، «مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبائی»، ۸-۳۷.

## ۵. تبیین ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن

### ۱-۵. هدایت عام قرآنی

از مهم‌ترین دلایل مرجعیت علمی قرآن کریم، هدایت عام آن است. قرآن در بسیاری از آیات خود به‌صراحت آن را کتاب هدایت معرفی می‌کند و برخی مفسران آن را کتاب هدایت برای بشریت کرده‌اند.<sup>۱۷</sup> این هدایت در قرآن از دو طریق قابل تشخیص است:

۱. آیات صریحی که قرآن را به‌طور مستقیم کتاب هدایت می‌خوانند؛

۲. آیات دیگری که به‌طور مستقیم از قرآن به‌عنوان کتاب هدایت یاد نمی‌کنند، اما به‌طور غیرمستقیم راهبرد قرآن را در هدایت انسان‌ها به‌سوی سعادت حقیقی بیان می‌کنند. این آیات شامل داستان‌های پیامبران، احکام فقهی، مسائل اخلاقی و اعتقادی هستند.

واژه «هدایت» در لغت عرب به معنای راهنمایی، دلالت، ارشاد و بیان آمده است.<sup>۱۸</sup> برخی لغویان آن را صرفاً به معنای دلالت دانسته‌اند،<sup>۱۹</sup> بدون آنکه لزوماً حاوی جهت‌گیری مثبت باشد؛ در حالی که گروهی دیگر، هدایت را ملازم با رشد دانسته و نقیض آن را «ضاللت» معرفی کرده‌اند.<sup>۲۰</sup> آنچه صائب به نظر می‌رسد، تلازم واژه «هدایت» با «راه درست» است، زیرا حتی اگر به «دلالت» معنا شود، دلالت نیز ناظر به معرفی آگاهانه شیء است و این شناخت با علم و خیر ملازم است. با این حال، درستی راه لزوماً مطابق با واقع نیست، بلکه به باور هدایت‌گر بستگی دارد؛ چنانکه فرعون مسیر خود را «سبیل الرشاد»<sup>۲۱</sup> می‌خواند. از سوی دیگر، هدایت در قرآن کریم هماهنگ با معنای لغوی آن<sup>۲۲</sup> کاربردی گسترده و چندوجهی دارد. این واژه در آیات مختلف، هم در زمینه‌های معنوی مانند ایمان و صراط

۱۷. محمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۲ (بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق)، ۳۲۴؛ و محمدتقی مصباح یزدی، *قرآن‌شناسی*، جلد ۲ (قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴)، ۳۰۲.

۱۸. ابونصر جوهری، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، جلد ۶ (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق)، ۲۵۳۳؛ و حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، *المفردات*، جلد ۱ (بیروت: انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۲ق)، ۸۳۵.

۱۹. راغب، *المفردات*، ۱: ۸۳۵.

۲۰. جوهری، *الصحاح*، ۶: ۲۵۳۳.

۲۱. غافر، آیه ۲۹.

۲۲. فیومی، *المصباح المنیر*، ۲: ۶۳۶؛ و محمدبن مکرم ابن منظور، *لسان العرب*، جلد ۱۵ (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق)، ۳۵۵.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی‌بخشایش ۱۸۳

مستقیم<sup>۲۳</sup> و هم در زمینه‌های مادی مانند نشان دادن مسیر در بیابان،<sup>۲۴</sup> کاربرد یافته است. بنابراین، دایره هدایت در قرآن منحصر به امور دینی یا معنوی نیست و شامل مسائل علمی و طبیعی<sup>۲۵</sup> نیز می‌شود. هدایت در بیشتر موارد ناظر به خیر و صلاح است، اما در مواردی خاص، که به امور شر چون جهنم اشاره دارد، از باب تهکم به کار رفته است.<sup>۲۶</sup>

می‌توان گفت: «قرآن در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، عبادی، آموزشی و غیره هدایت می‌کند».<sup>۲۷</sup> در مجموع، هدایت مفهومی عام، مثبت‌گرا و شامل امور مادی و معنوی است که قرآن با استفاده از آن، نقش رهبری جامع خود را در همه ساحت‌های انسانی تثبیت می‌کند.

هدایت علمی قرآن نیز [مانند هدایت عملی آن] هر آن به گونه مخصوص رخ می‌نماید و سؤال علمی هر صاحب نظری را پاسخ می‌دهد و اگر نشان «یَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»<sup>۲۸</sup> را در جهان علم جست‌وجو کنیم، تنها قرآن کریم توان آن را دارد که درباره تمام مکاتب اعتقادی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی و سیاسی نظر دهد و خطوط کلی صحت و سقم آنها را بیان کند و خطوط جزئی آن را به اجتهاد مستنبطان باطن بین و درون اندیش واکگذار که از دو جناح عقل و نقل مدد می‌جویند وگرنه قرآن، کتاب جاوید نمی‌شود.<sup>۲۹</sup>

مقام معظم رهبری در توضیح هدایت قرآنی می‌فرماید: «هدایت قرآن به یک منطقه محدودی از زندگی بشر اختصاص ندارد؛ هدایت قرآنی، مربوط به همه گستره عظیم زندگی بشر است؛ یعنی این جور نیست که قرآن در یک بخشی انسان را هدایت کند و در یک بخش دیگری از موارد مورد نیاز بشر و زندگی بشر، انسان را مهمل بگذارد و بی‌اعتنا عبور بکند؛ نه قرآن مشرف به همه گوشه و کنارهای صحنه زندگی و میدان حضور بشر است؛ از عروج معنوی انسان و کمال معنوی انسان بگیری... تا مسئله جوامع بشری و اداره جوامع انسانی و بشری و اقامه عدل و رفتارهای مدیریتی برای اداره جوامع انسانی و دفع دشمنان

۲۳. حمد، آیه ۶.

۲۴. انعام، آیه ۹۷.

۲۵. انعام، آیه ۹۷ و نمل، آیه ۴۱.

۲۶. محمود زمخشری، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل*، جلد ۴ (بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق)، ۳۹.

۲۷. محمدتقی مدرسی، *من هدی القرآن*، جلد ۴ (بیروت: دارالقاری، ۱۴۲۹ق)، ۴۲۳.

۲۸. الرحمان، آیه ۲۹.

۲۹. عبدالله جوادی آملی، *تفسیر موضوعی*، جلد ۱۶ (قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۷ش)، ۱۳۲.

گونگون... چقدر غافل اند کسانی که خیال می‌کنند قرآن به مسائل زندگی، به مسائل سیاست، به مسائل اقتصاد، به مسائل حکومت کار ندارد؛ نه بخش عمده قرآن راجع به همین مسائل اجتماعی زندگی است».<sup>۳۰</sup>

قرآن کریم از غایتی که انسان را به آن هدایت می‌نماید، با تعبیر متفاوت یاد کرده است؛ این تعبیر عبارت‌اند از: «سُبُلَ السَّلَامِ»،<sup>۳۱</sup> «صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»،<sup>۳۲</sup> «لِئَلَّيْ هِيَ أَقْوَمُ»،<sup>۳۳</sup> «صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»،<sup>۳۴</sup> «الْحَقِّ»،<sup>۳۵</sup> «طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ»،<sup>۳۶</sup> و «الرُّشْدِ». <sup>۳۷</sup> در ادامه این غایات بررسی می‌شود.

#### ۵-۱-۱. هدایت به صراط مستقیم

آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ بِهِ»<sup>۳۸</sup> بیانگر این است که مسیر همه انسان‌ها به سوی خداوند است؛ اما آیه «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»<sup>۳۹</sup> نزدیک‌ترین راه به سوی خداوند را صراط مستقیم معرفی می‌کند که در مقابل راه‌های دیگر قرار دارد که انسان را از مسیر حقیقی دور می‌کنند.

آیه «صِرَاطِ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»<sup>۴۰</sup> صراط مستقیم را به گونه‌ای توصیف می‌کند که کسانی که این مسیر را طی کرده‌اند، نه تنها مسیر اشتباهی را نمی‌روند، بلکه در علم و عمل در آگاهی واقعی قرار دارند. همچنین «صراط العزیز الحمید» و «طریق مستقیم» همان صراط مستقیم هستند و یک مصداق بیشتر ندارند.

۳۰. بیانات در محفل انس با قرآن کریم، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47709>

۳۱. مائده، آیه ۱۶.

۳۲. مائده، آیه ۱۶.

۳۳. اسراء، آیه ۹.

۳۴. سبأ، آیه ۶.

۳۵. احقاف، آیه ۳۰.

۳۶. احقاف، آیه ۳۰.

۳۷. جن، آیه ۲.

۳۸. انشقاق، آیه ۶.

۳۹. یس، آیات ۶۰ و ۶۱.

۴۰. حمد، آیه ۷.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی‌بخشایش ۱۸۵

### ۵-۱-۲. هدایت به سُبُل السلام

خداوند متعال در قرآن، «سُبُل السلام» را به معنای مطلق سلامتی و رهایی از هر نوع شقاوت و بدبختی معرفی کرده است؛ اموری که باعث اختلال در سعادت دنیوی و اخروی می‌شوند.<sup>۴۱</sup> آیات متعددی در قرآن به اهمیت علم و نقش آن در سعادت حقیقی انسان اشاره دارد و جهل را عامل شقاوت معرفی می‌کند؛ از جمله این آیات، می‌توان به آیات ۵۴ و ۵۵ سوره حج، آیه ۲۸ سوره فاطر و آیه ۹ سوره زمر اشاره کرد؛ همه اینها نشانگر نقش بی‌بدیل علم در سعادت حقیقی انسان است.

در نتیجه، هدایت قرآنی زمانی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که انسان را به «سبیل السلام» رهنمون سازد و از سویی دیگر سلامتی فردی و اجتماعی بدون بهره‌گیری از علم در تمامی عرصه‌های ممکن، تحقق‌پذیر نخواهد بود.

### ۵-۱-۳. هدایت به رشد

کلمه «الرَّشْدُ وَ الرُّشْدُ» به معنای صلاح و نجات است و نقطه مقابل «غی» (گمراهی و هلاکت) قرار دارد. این واژه که مانند «هدایت» استفاده می‌شود، دلالت بر درستی راه دارد.<sup>۴۲</sup> بررسی کاربرد این واژه در قرآن نشان می‌دهد که معنای آن در همه موارد درباره خروج از گمراهی و رسیدن به راه درست می‌چرخد.

برای نمونه استعمال این واژه در آیه «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشِدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»<sup>۴۳</sup> با استعمال آن در آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ»<sup>۴۴</sup> در واقع بر یک حقیقت بنا شده است و آن خروج از گمراهی و رسیدن به راه درست است؛ اما آنچه باید به آن دقت شود، گستره معنایی این کلمه است. این واژه معنای تشکیکی دارد و دارای درجات مختلفی است. معنای نازل آن در آیه ۶ سوره نساء و معنای عالی آن در آیه ۵۱ سوره انبیاء نمایان است. نقطه مشترک این دو معنا، دستیابی به صلاح و تشخیص راه از بیراهه است. در سوره نساء آیه ۶، هود آیه ۷۸ و ۸۷ و غافر آیه ۲۹، «رشد» به معنای تشخیص صلاح دنیوی آمده است. معنای عالی «رشد»، که بالاترین درجه آن است، در عین حال شامل معانی پایین‌تر نیز می‌شود و از

۴۱. طباطبایی، المیزان، ۵: ۲۴۵.

۴۲. راغب، مفردات، ۱: ۳۵۴؛ و ابوالحسین ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد ۲ (قم: انتشارات مکتب الاعلام

الاسلامی، ۱۴۰۴ق)، ۳۹۸.

۴۳. نساء، آیه ۶.

۴۴. انبیاء، آیه ۵۱.

آنها تهی نیست.

پیامد منطقی چنین سخنی این است که غایت «رشد» قرآنی، دستیابی به بالاترین درجه صلاح و نجات، شامل صلاح و نجات دنیوی و اخروی، خواهد بود. عبارت «یَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ»<sup>۴۵</sup> می‌تواند از دو جهت به مرجعیت علمی قرآن رهنمون سازد:

۱. هدایت به جامعه ایده‌آل: قرآن کریم انسان‌ها را برای ساختن جامعه‌ای ایده‌آل در اوج شکوفایی مادی و معنوی هدایت می‌نماید. اگر هدایت قرآنی شامل رشد علمی نباشد و تمام آن را به بشر واگذار کند، شکوفایی مطلوب به بار نخواهد نشست و «یَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» ابتر خواهد ماند.

۲. رشد به عنوان علم: رشد قرآنی، که معنای تشکیکی دارد، شامل مصادیق مختلفی است؛ یکی از عالی‌ترین آنها علم است. بدون علم، صلاح و سعادت جوامع بشری دست‌نیافتنی خواهد بود. دقت شود که تأکید ما روی مصداق است نه روی معنای «رشد».

برآیند آنچه گفته شد این خواهد بود که هدایت در قرآن صرفاً راهنمایی معنوی یا فردی نیست، بلکه دارای ساحت علمی، تمدنی و ساختاری برای زندگی اجتماعی است. واژه رشد با معنای تشکیکی خود، راه را برای اثبات مرجعیت علمی قرآن باز می‌کند.

## ۵-۲. هدایت به استوارترین امور

از مهم‌ترین آیاتی که مرجعیت علمی قرآن را اثبات می‌کند، آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»<sup>۴۶</sup> است. این آیه از جامع‌ترین آیات در موضوع هدایت قرآنی است و پاسخی قاطع به کسانی ارائه می‌دهد که هدایت قرآنی را به امور خاصی محدود می‌دانند. در این آیه، دو کلمه کلیدی به کار رفته است که آن را از دیگر آیاتی که هدایت قرآنی را بیان می‌کنند، متمایز می‌سازد.

الف - نخستین ویژگی این آیه کلمه «لِلَّتِي» است که موصوف آن حذف شده و ابهام دارد. مفسران درباره آن دو دیدگاه دارند: گروهی، آن را ناظر به مفاهیم خاصی چون «راه»، «دین» یا «شریعت» دانسته‌اند؛<sup>۴۷</sup> اما گروه دوم حذف موصوف را نشانه عمومیت و گستردگی معنا

۴۵. جن، آیه ۲.

۴۶. اسراء، آیه ۹.

۴۷. فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۶ (تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲)، ۶۱۸.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی بخشایش ۱۸۷

می‌دانند. زمخشری تصریح می‌کند که ذکر مورد خاص، زیبایی و عظمت پنهان در حذف را از بین می‌برد، زیرا ابهام موصوف ذهن مخاطب را به همه مسیرهای صحیح و ممکن معطوف می‌کند.<sup>۴۸</sup> به تعبیر یکی از شارحان تفسیر بیضاوی، این حذف باعث می‌شود شنونده به هرگونه مذهب، حالت یا فضیلتی که قرآن می‌تواند به آن هدایت کند، بیندیشد.<sup>۴۹</sup> بر همین اساس، حذف موصوف باعث شمول حداکثری مفهوم «للتی» می‌شود، به گونه‌ای که شامل تمام مسیرهای استوار، از جمله حوزه «علم» نیز خواهد بود. این برداشت گسترده از موصوف، به خوبی زمینه دلالت آیه بر مرجعیت علمی قرآن را فراهم می‌سازد.

ب- دومین واژه متمایز این آیه «اقوم» است. قرآن به چیزی هدایت می‌کند که «اقوم» است؛ یعنی استوارترین در راه‌ها، آیین‌ها، حالات، عقاید، علوم، اعمال، سیاست و ... موصوف «اقوم» نیز ابهام داشته و محدود به موضوع خاصی نیست. این عمومیت، «بهترین» را در هر زمینه، زمان، مکان و برای هر انسان در بر می‌گیرد.<sup>۵۰</sup>

آیه «يَهْدِي لِأَيِّ مَكَانٍ تُرِيدُ» فرایند هدایت قرآن را در سه محور بنیادین ترسیم می‌کند:

۱- هدایت‌گر که خود قرآن کریم است؛

۲- هدایت‌شونده که همه انسان‌ها در هر زمان و مکان‌اند؛

۳- مقصد هدایت که اقوم و استوارترین راه‌ها در تمامی عرصه‌هاست.

قرآن ذاتاً هادی است و با حذف موصوف «للتی»، گستره هدایت آن شامل برترین دین، راه، علم، سیاست، اخلاق و دیگر حوزه‌های حیات انسانی می‌شود. افعال تفضیل بودن «اقوم» این معنا را می‌رساند که در هر چیز به «بهترین» آن هدایت می‌کند. با این عمومیت شامل «بهترین» در هر چیز و در هر زمان و مکان و برای هر انسانی می‌شود.<sup>۵۱</sup> سید قطب نیز این شمول را ناظر بر همه نظامات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر می‌داند.<sup>۵۲</sup>

هدایت علمی قرآن نیز مانند هدایت عملی آن پویا و فعال است. قرآن نه در سطح گزاره‌ها، بلکه در سطح جهت‌دهی کلان به علوم، نقش‌آفرین است.

۴۸. زمخشری، کشاف، ۲: ۶۵۱.

۴۹. محمدبن مصطفی شیخ‌زاده، حاشیه محیی‌الدین شیخ‌زاده علی تفسیر البیضاوی، جلد ۵ (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق)، ۳۵۸.

۵۰. محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، جلد ۵ (قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق)، ۲۲.

۵۱. مغنیه، الکاشف، ۵: ۲۲.

۵۲. سیدبن قطب شاذلی، فی ظلال القرآن، جلد ۴ (بیروت: انتشارات دارالشروق، ۱۴۱۲ق)، ۲۲۱۵.

### ۳-۵. تبیان بودن قرآن

یکی از دلایل مهم مرجعیت علمی قرآن کریم، ویژگی «تبیان» بودن آن است که در آیات مختلف از جمله آیه شریفه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۵۳</sup> وارد شده است.

«تبیان» از «بَانِ يَبِينُ» اشتقاق یافته است. «بَانِ الامر» یعنی «امر روشن و آشکار شد» است.<sup>۵۴</sup> اصل در معنای «بان» جدایی و تفرق است که در سایه این جدایی و تفرق موضوع روشن می‌شود.<sup>۵۵</sup> «تبیان» به عنوان مصدر و در وضوح و انکشاف است.<sup>۵۶</sup> برخی آن را مفعول لاجله دانسته‌اند<sup>۵۷</sup> مفعول لاجله در جایی است که فعل برای تحصیل و به دست آوردن آن واقع می‌شود.<sup>۵۸</sup> به این معنا که هدف از نزول قرآن، تبیان بودن و روشنگری است. بر این اساس، آیه به این معنا خواهد بود: «و فرو فرستادیم بر تو قرآن را به خاطر روشن کردن هر چیزی».

برخی دیگر، «تبیان» را مصدر به معنای اسم فاعل گرفته‌اند که این نیز مبالغه افزون‌تری است.<sup>۵۹</sup> بر این اساس «تبیاناً» در آیه شریفه به معنای «بسیار روشن‌کننده» خواهد بود. در این صورت، آیه معنای «و فرو فرستادیم بر تو قرآن را بسیار روشن هر چیزی» خواهد داشت. هر چند تفاوت این دو معنا برای بحث ما تأثیر چندانی ندارد، آنچه اهمیت دارد، ریشه این واژه است که به معنای جدا کردن است و در نتیجه جدا کردن، موضوع مجهول روشن می‌شود؛ از این رو معنای ذاتی این کلمه «روشنگر بودن» است. روشنگری قرآن مستلزم شمولیت و جامعیت نیست، اما این بدان معنا نیست که روشنگری قرآن صرفاً مانند چراغ است که فقط ابزار است. قرآن «نور» است و نور، هم مطلوب ذاتی دارد و هم برای زدودن تاریکی و کشف مجهولات ضروری است.

۵۳. نحل، آیه ۸۹.

۵۴. فیومی، المصباح المنیر، ۲: ۷۰.

۵۵. راغب، المفردات، ۱: ۱۵۶؛ و حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰)، ۳۶۶.

۵۶. راغب، المفردات، ۱: ۱۵۶.

۵۷. طبرسی، مجمع‌البیان، ۶: ۵۸۶؛ محمدبن طاهر ابن عاشور، التحریر و التنویر، جلد ۱۳ (بیروت: مؤسسه التاریخ، ۱۴۲۰ق)، ۲۰.

۵۸. عبدالرحمن بن احمد الجامی، شرح ملا جامی علی متن الکافیة فی النحو، تحقیق: علی محمد مصطفی، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق)، ۳۲۳.

۵۹. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۳: ۲۰.

### غایات چهارگانه نزول قرآن

در آیه ۸۹ سوره نحل، چهار غایت برای نزول قرآن ذکر شده است:

۱. تبیان؛ ۲. هدایت؛ ۳. رحمت؛ ۴. بشارت.

### «تبیان» بودن قرآن

برخی مفسران، «تبیان» را محدود به «هدایت» دانسته‌اند.<sup>۶۰</sup> به نظر می‌رسد این تفسیر صحیح نیست، زیرا هدایت هدف دوم ذکر شده است و اصل بر آن است که تعدد الفاظ، دلالت بر تعدد معانی داشته باشد. در چینش این اهداف چهارگانه، نظم منطقی حاکم است؛ از عام به خاص. «تبیان» عام‌ترین هدف و «بشارت» خاص‌ترین است.

این چینش با کمی تفاوت در بیان غایت نزول قرآن در آیات مختلفی ذکر شده است از جمله سوره بقره آیه ۹۷، انعام آیه ۱۵۷، اعراف آیه ۵۲ و ۲۰۳، یوسف آیه ۱۱۱، یونس آیه ۵۷، نحل آیه ۶۴ و جاثیه آیه ۲۰. همچنان که با کمی تفاوت در مورد غایت نزول تورات به حضرت موسی در سوره‌های مختلف ذکر شده است، از جمله سوره انعام آیه ۱۵۴، قصص آیه ۴۳ و اعراف آیه ۱۵۴.

در تمامی آیاتی که این غایات نزول قرآن و تورات ذکر شده است، «تبیان بودن» در جایگاه نخستین غایت مطرح شده است. (مانند انعام: ۱۵۴ و ۱۵۷، اعراف: ۵۲ و ۲۰۳، نحل: ۶۴ و ۸۹، یوسف: ۱۱۱، قصص: ۴۳ و جاثیه: ۲۰) این ویژگی گاهی با واژه‌هایی از ماده «بان» مانند «تبیان» و «بینه» و گاهی نیز با عباراتی چون «هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ»،<sup>۶۱</sup> «و تَفْصِيلٌ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>۶۲</sup> و «فَصَّلْنَا عَلَى عِلْمٍ»<sup>۶۳</sup> بیان شده است که همگی بر تبیان بودن قرآن کریم دلالت دارند.

۶۰. طباطبایی، المیزان، ۱۲: ۳۲۴.

۶۱. جاثیه، آیه ۲۰.

۶۲. یوسف، آیه ۱۱۱.

۶۳. اعراف، آیه ۵۲.

## ب) عمومیت غایت «تبیان» بودن قرآن از دو جهت

### - شمولیت برای همه انسانها

روشنگری قرآن از سنخ علم است و علم به عقل و ادراک وابسته است، نه ایمان. بنابراین، این ویژگی شامل تمام انسانها اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌شود.

### - گستردگی در تمام حوزهها

روشنگری قرآن محدود به حوزه هدایت نیست. اگر اینگونه بود، ذکر «هدی» پس از «تبیان» در آیه، تکرار خواهد بود که نیازمند دلیل است و اصل بر عدم تکرار است.

### «هدی» بودن قرآن

غایت دوم ذکرشده برای قرآن در آیه مورد بحث، «هدی» است. این غایت از یک سو از نظر شمولیت با غایت «تبیان» برابر است و شامل تمام انسانها می‌شود. این عمومیت در آیاتی نظیر آیه ۱۸۵ سوره بقره نیز تصریح شده است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ». با این حال، هدایت قرآنی دارای مراتب مختلفی است که برخی عام و شامل همه انسانها و برخی خاص و محدود به متقین است. در این آیه، می‌توان هر دو مرتبه را در نظر گرفت.

از سوی دیگر، غایت «هدی» در مقایسه با «تبیان» خاص‌تر است، زیرا مختص به حوزه هدایتی بوده و به شمولیت عام «تبیان» نمی‌رسد.

### «رحمت» بودن قرآن

واژه «رحمت» نسبت به دو غایت پیشین، خاص‌تر است و تنها شامل مؤمنین می‌شود. در تمام آیاتی که واژه «رحمت» در جایگاه وصف قرآن ذکر شده است به مؤمنان اختصاص داده شده است؛ مانند «هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»<sup>۶۴</sup>

### «بشارت» بودن قرآن

واژه «بشری» نیز مانند واژه «رحمت» است و مختص مؤمنان است.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی‌بخشایش ۱۹۱

از آنچه گفته شد روشن می‌شود که غایات چهارگانه، هرکدام هدف جداگانه‌ای هستند که هرکدام مکمل دیگری هستند؛ از این رو همانطور که گفته شد «تبیان» بودن قرآن غیر از «هدی» بودن قرآن است و محدود به هدایت نیست و تبیان بودن قرآن همه‌جانبه است.

قرآن نه فقط هدایت‌گر، بلکه روشن‌گر فراگیر است. تبیان بودن، پایه‌گذار مرجعیت علمی قرآن در تمامی حوزه‌های معرفتی است، زیرا قرآن قدرت روشن‌سازی «هر چیز» را دارد.

#### ۴-۵. وعده غلبه دین اسلام بر تمام ادیان

##### تبیین چگونگی تحقق برتری اسلام

خداوند در قرآن وعده داده است که دین اسلام بر تمام ادیان (توحیدی و الحادی) غلبه پیدا خواهد کرد. این وعده در سه آیه از قرآن آمده است: آیه ۳۳ توبه، آیه ۹ صف و آیه ۲۸ فتح. متن این آیات عین هم است، فقط آخر آیه ۲۸ فتح متفاوت از دو آیه دیگر است. خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۶۵</sup> فخر رازی در تفسیر این آیات می‌گوید که پیروزی یک امر به امر دیگر به سه صورت است:

۱- پیروزی در سایه دلیل و برهان؛

۲- پیروزی در سایه زیادی و کثرت؛

۳- پیروزی به خاطر غلبه و استیلا بیرونی.

از آنجا که پیروزی با دلیل و برهان در آغاز اسلام محقق شده و بشارت به چیزی که بوده بی‌معنی است، این بشارت به پیروزی نهایی اسلام بر سایر ادیان از طریق غلبه بیرونی است.<sup>۶۶</sup>

مدعای مقاله حاضر در اثبات مرجعیت علمی قرآن از طریق آیات پیش‌گفته، زمانی معتبر است که تحقق غلبه دین اسلام با مرجعیت علمی قرآن ملازم باشد.

توضیح این ملازمه را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد: وعده قطعی خداوند مبنی بر تسلط دین اسلام بر تمام ادیان، زمانی محقق خواهد شد که این تسلط دارای دو مؤلفه باشد:

۶۵. توبه، آیه ۳۳؛ و صف، آیه ۹.

۶۶. محمدبن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، جلد ۱۶ (بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق)، ۳۲.

۱. پیشتازی در بُعد معنوی.

۲. پیشتازی در بُعد مادی.

#### - لزوم پیشتازی اسلام در بُعد معنوی

همه باورمندان به حقانیت اسلام بر پیشتازی آن در بُعد معنوی و هدایتی اتفاق دارند. بسیاری از علوم انسانی مانند اخلاق، تعلیم و تربیت و بخش‌هایی از روان‌شناسی، مستقیماً با تعالی روح انسان سروکار دارند. در کنار اینها، علوم انسانی دیگری همچون حقوق و علوم سیاسی نیز به صورت ترکیبی به ابعاد مادی و معنوی انسان می‌پردازند. بدیهی است که تحقق وعده قرآنی غلبه اسلام بر دیگر مکاتب، مستلزم برتری آن در عرصه علوم است که به کمال روح انسان منتهی می‌شوند. بنابراین، قرآن کریم در جایگاه منبع اصلی دین اسلام باید در این دسته از علوم، مرجع و راهبر شناخته شود.

#### - لزوم پیشتازی اسلام در بُعد مادی

برای تحقق وعده قرآنی غلبه اسلام بر سایر ادیان، پیشتازی اسلام در هر دو بُعد معنوی و مادی ضروری است. هرچند برخی اندیشمندان رسالت قرآن را منحصر در امور هدایتی و معنوی می‌دانند، آنچه درست می‌نماید این است که قرآن باید در تمام زمینه‌هایی که به سعادت انسان‌ها مرتبط است، از جمله در عرصه‌های مادی، نقش راهبرانه ایفا کند. بنابراین، تحقق کامل این غلبه زمانی ممکن است که برتری اسلام در تمام ابعاد حیات انسانی، اعم از علمی، فرهنگی و تمدنی نمایان گردد.

علوم تجربی نیز به‌منزله یکی از عوامل اصلی در سعادت انسان باید ذیل راهبری قرآن معنا یابد. اگر تنها عقل و تجربه منابع تولید علم در نظر گرفته شوند، پیشتازی علمی ممکن است در اختیار هر ملتی قرار گیرد؛ چه مسلمان و چه غیرمسلمان. در حالی که تحقق وعده برتری، زمانی معنا پیدا می‌کند که علاوه بر ابزار مشترک تولید علم یعنی عقل و تجربه، ابزار دیگری برای تولید علم نزد مسلمانان باشد که همان قرآن است.

حدیث «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه»<sup>۶۷</sup> بر اهمیت اقتدار علمی تأکید دارد و از این منظر، مرجعیت علمی قرآن پیش شرطی برای دستیابی مسلمانان به اقتدار جهانی و تحقق غلبه اسلام بر سایر مکاتب به شمار می‌رود.

۶۷. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ۲۰: ۳۱۹.

## ۵-۵. حکیم بودن قرآن

قرآن کریم در تعدادی از سوره‌ها به صفت «حکیم بودن» توصیف شده است، از جمله در آیات «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ»<sup>۶۸</sup> و «وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمِ»<sup>۶۹</sup> علاوه بر آنکه نازل‌کننده قرآن خداوند حکیم است «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»<sup>۷۰</sup> خود قرآن نیز به صفت حکمت شناخته می‌شود.

کتابی که حکیم باشد، لازمه حکیم بودنش این است به اموری که سعادت و شقاوت بشر اهمیت بسزائی دارد، توجه کند و در آنها راهبری نماید. از اساسی‌ترین امور در زندگی انسان که سبب اقتدار و پیشرفت جامعه و به تبع آن گسترش و همه‌گیری فرهنگ خاصی می‌شود، مسئله علم است. اگر قرآن حکیم در مسئله علم راهبری نکند و آن را به خود بشر بسپارد، حکیم نخواهد بود، زیرا عقل و تجربه بشر در مسائل علمی ممکن است دچار خطا شود و در این زمینه به منبعی معصوم از خطا نیاز است تا حقیقت و باطل با آن سنجیده شود.

## ۵-۶. نور بودن قرآن

یکی دیگر از اسامی قرآن «نور بودن» آن است. خداوند در توصیف قرآن می‌فرماید: «الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»<sup>۷۱</sup>.

توصیف قرآن به نور، یکی از عالی‌ترین کمالات است؛ همان توصیفی که خداوند در وصف خود ذکر کرده است «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۷۲</sup>. سید قطب در توصیف نور بودن قرآن می‌نویسد: هیچ صفتی دقیق‌تر، درست‌تر و دلالت‌کننده‌تر بر طبیعت قرآن از صفت «نور» نیست.<sup>۷۳</sup>

در آیه ۱ سوره ابراهیم دو کلمه عام است که در استدلال ما می‌تواند کمک نماید:

۱. کلمه «الناس»: ناس شامل تمام انسان‌ها می‌شود؛ اعم از مسلمان و کافر، مؤمن و غیر مؤمن، عوام و خواص، عالم و جاهل و همه را شامل می‌شود؛ اما این شمول

۶۸. یونس، آیه ۱.

۶۹. یس، آیه ۲.

۷۰. احقاف، آیه ۲.

۷۱. ابراهیم، آیه ۱.

۷۲. نور، آیه ۳۵.

۷۳. شاذلی، فی ظلال القرآن، ۲: ۸۶۲.

به صورت تشکیکی است و هر انسانی را نسبت به ظرفیت و نیازی که دارد از ظلمات خارج می‌کند.

۲. کلمه «الظلمات»: کلمه ظلمات نیز عام است و شامل هر نوع ظلمتی می‌شود؛ ظلمت کفر، ظلمت گناه، ظلمت خرافه، ظلمت تعصب، ظلمت جهل و ظلمت‌های دیگر. بنابراین، ظلمات منحصر در ظلمات کفر و گناه نیست، بلکه عام است. یکی از مفسران معاصر در این زمینه می‌نویسد: «در حقیقت تمام هدف‌های تربیتی و انسانی، معنوی و مادی نزول قرآن، در همین یک جمله جمع است: "بیرون ساختن از ظلمت‌ها به نور!" از ظلمت جهل به نور دانش از ظلمت کفر به نور ایمان...»<sup>۷۴</sup>.

وجه استدلال با این نوع آیات بر مرجعیت علمی قرآن به دو صورت است:

۱. نور بودن قرآن مانند هدایت بودن قرآن عام است و منحصر به وجه خاصی نیست. اینگونه نیست که قرآن فقط در مسائل معنوی نور و هادی باشد، بلکه نور و هدایت در تمام جهات است. در هر جهتی که انسان نیاز به راهنمایی و روشنایی داشته باشد، قرآن در همان جهت به وجه احسن نیاز انسان را برطرف می‌کند. قرآن در تمام جهات در اوج قله نور و هدایت است.

۲. در آیه شریفه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۷۵</sup> برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند «کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها» را مثال زده است. طبق آیه اول سوره ابراهیم، قرآن نوری است که انسان‌ها را از ظلمات خارج می‌کند و اگر به آن ایمان نیاورند همچنان در ظلمات باقی خواهند ماند. کسی که در ظلمات غوطه‌ور باشد، عقل و ذهنش درگیر ظلمات خواهد بود و هر علمی که از عقل و ذهن ظلمت‌زده تراوش کند، حقیقت و درستی محض نخواهد بود، از این رو نیازمند وحی هستیم.

## ۷-۵. قیم بودن قرآن

یکی دیگر از توصیفات که در مورد قرآن به کار رفته است، «قیم بودن» آن است. خداوند در

۷۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۱۰ (تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴)، ۲۶۲.

۷۵. انعام، آیه ۱۲۲.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی بخشایش ۱۹۵

این زمینه می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَبِيًّا».<sup>۷۶</sup>

در تبیین «قیم بودن» قرآن گفته شده است که قرآن مایه برپایی مصالح جوامع بشری است.<sup>۷۷</sup> قرآن قیوم جوامع بشری است. یکی از مفسران معاصر در این زمینه می‌نویسد: «قرآن کریم، قیوم جوامع بشری است. قیوم بودن قرآن به جامعه بشری مانند قیوم بودن آب برای کشت گیاه است. آب از گیاه جداست، ولی رابطه ضروری با آن دارد و عامل تعیین‌کننده حیات اوست. پس قرآن قیوم انسان‌هاست».<sup>۷۸</sup>

در وجه استدلال قیوم بودن قرآن بر مرجعیت علمی آن می‌توان چنین گفت که قوام جوامع بشری به قرآن است به گونه‌ای که بدون قرآن جوامع بشری از هم پاشیده می‌شوند. به تعبیر مرحوم کاشف‌الغطا اگر نبوت نبی اکرم (ص) با اعجاز قرآن و بقیه معجزات نبود، هیچ اثری از نبوت انبیا نبود؛ چون اختلافات درونی انجیل و تورات به قدری زیاد است که این اختلافات خود دلیل بر عدم صدور آنها از خداوند متعال است.<sup>۷۹</sup> در حقیقت بر اساس آیه شریفه «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَبِيماً مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً»<sup>۸۰</sup> قیوم بودن دین برای جوامع بشری و تأمین سعادت دنیا و آخرت، به دلیل منبع آموزه‌های آن است که عبارت از کتاب و حیانی است. وقتی پذیرفتیم که قرآن قیوم جوامع بشری است، سکوت این قیوم نسبت به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت و شقاوت بشر یعنی «علم» با قیومیت قرآن منافات دارد. قیوم نمی‌تواند در «علم»، پیرو دیگران باشد، بلکه باید خودش مرجع و راهبر باشد.

#### ۵-۸. اندک بودن علم انسان و نیاز داشتن به علم و حیانی

خداوند متعال بیان می‌دارد علمی که به انسان داده است، اندک است و با تکیه با علم خود نمی‌تواند بسیاری از حقایق را درک کند. در این زمینه وقتی سؤال از حقیقت روح می‌شود می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلاً».<sup>۸۱</sup> در این آیه شریفه اگر الف و لام علم را الف و لام عهد بگیریم، منظور از علم، علم به روح خواهد بود که در این صورت برای اثبات مرجعیت علمی قرآن نمی‌توان به این آیه استناد کرد.

۷۶. کهف، آیات ۱ و ۲.

۷۷. طباطبایی، المیزان، ۱۳: ۲۳۷.

۷۸. جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۱۶: ۱۷۸ و ۱۷۹.

۷۹. جعفر کاشف الغطاء، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، تحقیق: عباس تبریزیان، جلد ۴ (قم: انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۳۲۳.

۸۰. انعام، آیه ۱۶۱.

۸۱. اسراء، آیه ۸۵.

مرحوم علامه طباطبایی هم علم را به معنای علم به روح تفسیر کرده است؛<sup>۸۲</sup> اما اگر الف و لام را جنس بگیریم و منظور آیه مطلق علم باشد که مقدار کمی به انسان داده شده است، همانظوری که برخی مفسران آن را مطلق معنا کرده‌اند<sup>۸۳</sup> در این صورت می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. بر اساس این آیه انسان نیازمند علمی است که خداوند به وی تعلیم نماید. «کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»<sup>۸۴</sup> وقتی اثبات شد که علم انسان اندک است و برای آموختن علم علاوه بر عقل و تجربه، باید از علم وحیانی بهره برد و بدون آن انسان نمی‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی برسد، این نتیجه رخ می‌نماید که قرآن در جایگاه اصلی‌ترین منبع وحیانی باید مایه بهره‌برداری قرار گیرد و بدون آن انسان، علمی ناقص و همراه خطا خواهد داشت.

خداوند در جای دیگر کسانی را که اعتقادی به وحی ندارند و تنها هدفشان رسیدن به مطامع دنیوی است، توبیخ می‌کند و می‌فرماید «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَ لَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ»؛<sup>۸۵</sup> خدا با کنایه می‌فرماید: منتهی و آخرین حد دانش آنها، رسیدن به آرزوهای دنیوی و مظاهر آن است؛ به عبارت دیگر علم آنها بیش از این گنجایش ندارد و آخرین مقصدی که به آن می‌رساند، دنیا است. این سخن نشانگر آن است علمی که منبع آن فقط عقل و تجربه بشری باشد و منبع وحیانی در آن جایگاهی نداشته باشد، ناقص است و انسان را به هدف نهایی خود نمی‌رساند.

#### ۵-۹. تأثیر داشتن ایمان در پیشرفت جوامع

یکی از مقوله‌هایی که از نتایج ایمان به خدا در قرآن مطرح شده است، گشوده شدن برکات آسمانی و زمینی و به تبع آن رفاه و پیشرفت جوامع بشری است. خداوند متعال در آیات متعددی به این مطلب اشاره کرده است، از جمله آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۸۶</sup> در طرف مقابل خداوند بیان می‌دارد، نتیجه عدم ایمان و گناه، فساد و نابودی جوامع بشری است؛ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»<sup>۸۷</sup> بر اساس براهین دقیق فلسفی و

۸۲. طباطبایی، المیزان، ۱۳: ۱۹۹.

۸۳. ابن عاشور، التحرير و التتوير، ۱۴: ۱۵۶.

۸۴. بقره، آیه ۱۵۱.

۸۵. نجم، آیات ۲۹ و ۳۰.

۸۶. اعراف، آیه ۹۶.

۸۷. روم، آیه ۴۱.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی بخشایش ۱۹۷

قرآنی تمام اجزاء عالم همانند ارتباط اعضای بدن انسان با یکدیگر، با هم مرتبط هستند. خیر یا فساد یک جزء در خیر و فساد جزء دیگر مؤثر است. اعمال و عقاید انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست.<sup>۸۸</sup> آیات زیادی این مسئله را تأیید می‌کند که دو آیه برای نمونه بیان شد؛ اما در این بحث مورد نظر ما است، چگونگی این تأثیر است.

چگونگی تأثیر ایمان و کفر در خیر و فساد عالم به دو صورت است:

۱. تأثیر از طریق علل خفیه و بدون وسائط مادی: نزول برکات آسمانی و زمینی در اثر ایمان و عمل صالح، بدون دخالت در عوامل مادی، یکی از سنن قطعی الهی است که از این آیات برداشت می‌شود. این نوع تأثیر از طریق علل معنوی و فرا مادی صورت می‌گیرد و برداشت و تفسیر رایج از این آیات نوع تفسیر است.

۲. تأثیر از طریق علل مادی و فراهم شدن اسباب مادی: بر اساس این نگاه، ایمان و کفر نه تنها در حوزه معنویت، بلکه در چگونگی به کارگیری ابزارهای مادی نیز نقش دارند. به بیان دیگر، تقوا و ایمان سبب آن می‌شوند که منابع اقتصادی، انسانی و طبیعی در مسیر درست و سازنده به کار گرفته شوند. چنانکه یکی از مفسران معاصر در این باره می‌گوید:

«قابل توجه اینکه ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود، فی‌المثل امروز ملاحظه می‌کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر "مسابقه تسلیحاتی" و ساختن سلاح‌های نابودکننده صرف می‌گردد، اینها مواهبی هستند فاقد هرگونه برکت و ... ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آنها درمی‌آید و طبعاً آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود».<sup>۸۹</sup>

نویسنده تفسیر من وحی القرآن نیز همین برداشت را بیان می‌دارد و در توضیح این رابطه می‌نویسد: «زیرا ایمان و تقوا معنای مسئولیت را در نفس ریشه‌دار می‌کند که از بیهودگی و فساد و خودپسندی فاصله می‌گیرد، پس چیزی جز آنچه موجب نفع مردم می‌شود، باقی نمی‌ماند، بنابراین، رابطه ایمان و تقوا با برکات، رابطه‌ای است مرتبط با چشمه‌های خیری که به وسیله ذهن، روح و اراده انسان در حرکت نگرش‌ها، روابط و اعمال در زندگی جاری

۸۸. طباطبایی، المیزان، ۸: ۲۰۰.

۸۹. مکارم، نمونه، ۶: ۲۶۶.

می‌شود».<sup>۹۰</sup>

درواقع نباید تصور کرد که نزول برکات صرفاً وابسته به امور غیبی است؛ بلکه گاه ممکن است در پرتو ایمان و عمل به آموزه‌های وحیانی، زمینه‌های مادی رشد و آبادانی نیز فراهم آید. برای نمونه در سایه ایمان، عقل انسان شکوفا می‌شود و هدایت‌گری آن از سلطه هواهای نفسانی رهایی می‌یابد. همانگونه که آمده است: «لَا يَكْمُلُ الْعُقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ»<sup>۹۱</sup> و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز یکی از اهداف بعثت انبیا را چنین معرفی می‌کند: «وَيُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»<sup>۹۲</sup> در نتیجه، جامعه‌ای که ایمان در آن نهادینه شده باشد با عقلانیت هدایت‌شده، تصمیماتی خواهد گرفت که باعث پیشرفت و رفاه واقعی می‌شود. این نوع رفاه، همان «برکات» و عده داده شده در قرآن است.

از این منظر، ایمان نقشی بنیادین در شکوفایی علمی نیز دارد. آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «بِالْإِيْمَانِ يَعْزَمُ الْعِلْمُ»<sup>۹۳</sup> می‌توان فهمید که علم تنها در پرتو ایمان می‌تواند در خدمت تعالی انسان قرار گیرد.

بخش محوری در دین اسلام، قرآن کریم است و به عبارت دیگر اصلی‌ترین بخش ایمان در عبارت شریف: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا» ایمان به نبی اکرم و کتابی است که بر ایشان نازل شده است. اگر کسی از جهت علمی و عملی به قرآن ایمان داشته باشد به وعده داده شده دست می‌یابد. این بدان معنا است که قرآن چنین ظرفیتی را دارد که سبب آبادانی و پیشرفت زندگی بشر شود که معنای دیگری از مرجعیت علمی قرآن کریم است.

## ۶. ارائه نمونه عینی از مرجعیت علمی قرآن

حکمرانی از مباحث بنیادین در علم سیاست است. بر مبنای نظریه مرجعیت علمی قرآن، می‌توان الگویی از حکمرانی اسلامی را از متن وحیانی استخراج کرد. در اینجا به اختصار به ترسیم این الگو از منظر قرآن پرداخته می‌شود. منظومه حکمرانی اسلامی به صورت نظام‌مند از توحید سرچشمه می‌گیرد و همه مباحث حکمرانی زیر چتر توحید به صورت سلسله‌وار قرار

۹۰. سید محمدحسین فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، جلد ۱۰ (بیروت: انتشارات دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق)، ۱۹۳.

۹۱. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین (قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق)، ۲۹۸.

۹۲. محمدبن حسین سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱ (قم: هجرت، ۱۴۱۴ق)، ۴۳.

۹۳. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶: ۲۱۹.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی‌بخشایش ۱۹۹

می‌گیرد که در ادامه بخش‌هایی از آنها ترسیم می‌شود.

#### ۶-۱. توحید

بر اساس نظریه نظام‌مندی قرآن، «توحید» شالوده و اساس دعوت این کتاب الهی است.<sup>۹۴</sup> آیات پرشماری بر این معنا تأکید دارند از جمله آیه شریفه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْأَقْسَامُ أَنْ تُعْبُدُوا اللَّهَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ وَبِالْوَالِدِينَ الْمُنْهَرَجِينَ الْإِسْلَامُ الْأَقْسَمُ الْأَكْبَرُ ۚ إِنَّ اللَّهَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»<sup>۹۵</sup> هنگامی که توحید به‌مثابه محور معارف قرآنی پذیرفته شود، حکمرانی قرآنی نیز از همین اصل بنیادین سرچشمه گرفته و بر آن استوار می‌شود.

#### حاکمیت توحید

خداوند متعال در قرآن، هرگونه حاکمیتی جز حاکمیت خود را مردود دانسته و این شأن را به‌طور انحصاری به خویش اختصاص می‌دهد. چنانکه می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يُقْضَى الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصْلِينَ».<sup>۹۶</sup> این آیه و آیات دیگر به‌روشنی نشان می‌دهند که حاکمیت مطلق از آن خداوند است و هیچ فرد یا نهادی در این امر، سهمی مستقل از او ندارد.

#### الف) حاکمیت دینداران

از آنجایی که زمین گنجایش مستقیم حکومت خداوند را ندارد و این امر نیازمند وسایط از جمله پیامبران است، بدین جهت انبیا را خلفای خویش در امر حکمرانی برگزید و داوود نبی (ع) را مخاطب ساخت که «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۹۷</sup> از این رهگذر، اطاعت از «اولی الامر» را در امتداد اطاعت از خویش قرار داد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».<sup>۹۸</sup> برآیند این آیات و دیگر نصوص و حیانی، جایگاهی تردیدناپذیر را برای «حاکمیت دینداران» به‌منزله یگانه حاکمیت مشروع رقم می‌زند. در منظومه توحید، امامت و ولایت نه حاشیه‌ای بر متن، که خود متن‌اند، بدون آن توحید به کمال خویش نمی‌رسد. حقیقت توحید در تبعیت از امامی است که به فرمان الهی، رهبری جامعه را عهده‌دار است و این جز در سایه

۹۴. طباطبایی، المیزان، ۱۰: ۱۲۹.

۹۵. هود، آیات ۱ و ۲.

۹۶. انعام، آیه ۵۷.

۹۷. ص، آیه ۲۶.

۹۸. نساء، آیه ۵۹.

حکومت دینی تحقق نمی‌یابد. فلسفه انحصار حاکمیت در دینداران از نگاه قرآن، با معیاری روشن تبیین شده است: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».<sup>۹۹</sup> پرسشی که حقیقتی ژرف در خود نهفته دارد: آنکه خود راه را می‌نمایاند، سزاوار تبعیت است یا آنکه جز با هدایت دیگران گام از گام بر نمی‌دارد؟

### ب) نفی حاکمیت غیر دینداران

در امتداد اصل انحصار حاکمیت در دینداران، عدم مشروعیت حکومت آنان که به توحید ایمان ندارند، امری بدیهی و ناگزیر خواهد بود. قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ».<sup>۱۰۰</sup> از این منظر، حاکمیتی که در تقابل با توحید باشد، نه تنها فاقد مشروعیت است، بلکه خود، مصداقی از طاغوت خواهد بود که تبعیت از آن در منطق قرآن، امری ناصواب و مردود است. چنین حکومتی، فارغ از شکل و صورت، در جوهر خود از حقیقت الهی تهی است و نمی‌تواند معیاری برای هدایت و تدبیر امور باشد.

### - نفی سبیل

در منظومه حکمرانی اسلامی، پس از آنکه «حاکمیت دینداران» به منزله یگانه حاکمیت مشروع برای بسط شجره طیبه توحید معرفی شد، خداوند متعال، برای صیانت و تحکیم این حاکمیت، اصلی بنیادین را مقرر فرمود: عدم سلطه و غلبه کافران بر مؤمنان. این اصل در آیه شریفه چنین تبیین شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».<sup>۱۰۱</sup>

حدیث شریف «الإِسْلَامُ يُعْلُو وَ لَا يَغْلَىٰ عَلَيْهِ»<sup>۱۰۲</sup> به منزله تفسیری ژرف از این آیه، دو بُعد ایجابی و سلبی آن را آشکار می‌سازد: در وجه ایجابی، «الإِسْلَامُ يُعْلُو» دلالت بر آن دارد که هر آنچه در چهارچوب شریعت تشریح شده است، باعث تعالی و برتری مسلمانان است. در وجه سلبی، «لَا يَغْلَىٰ عَلَيْهِ» بر این حقیقت تأکید دارد که هر امری که به ضعف اسلام و مسلمین بینجامد، از سوی شریعت مطرود است.<sup>۱۰۳</sup>

این اصل، نه صرفاً حکمی نظری، بلکه قاعده‌ای کارکردی در ساحت حکمرانی است؛ به

۹۹. یونس، آیه ۳۵.

۱۰۰. نحل، آیه ۳۶.

۱۰۱. نساء، آیه ۱۴۱.

۱۰۲. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، جلد ۴ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۴۱ق)، ۳۳۴.

۱۰۳. محمدحسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیة، جلد ۱ (قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷ش)، ۱۹۰.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی‌بخشایش ۲۰۱

این معنا که هرگونه سازوکاری که موجب سلطه غیرمسلمانان بر مؤمنان گردد، خواه در عرصه سیاسی، خواه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی، با این قاعده ناسازگار بوده و از مشروعیت ساقط است.

#### - بُعد نخست قاعده نفی سبیل: ضرورت تقویت حاکمیت توحید

در راستای تثبیت وجه ایجابی قاعده نفی سبیل، قرآن بر لزوم هر آنچه سبب تقویت حاکمیت توحیدی شود، تأکید دارد. این فرمان در آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»<sup>۱۰۴</sup> به وضوح بیان شده است.

#### عوامل تقویت حاکمیت توحید

##### - تقویت نظامی

عوامل مختلفی، مؤثر در تقویت اسلام است از جمله تقویت نظامی که در آیه ۶۰ انفال با عبارت «مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» آمده است.

##### - تقویت فرهنگی

دومین عامل تقویت اسلام، تقویت فرهنگی است که از ویژگی‌های حکمرانی اسلامی شمرده شده است: «الَّذِينَ إِذْ أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمُ الْكِتَابَ فِي الْأَرْضِ أَحَقُّوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».<sup>۱۰۵</sup> این آیه بر ضرورت تحقق ارزش‌های دینی و اخلاقی در عرصه حکمرانی که همگی در جهت تقویت روح توحیدی در جامعه و در راستای تحقق حاکمیت الهی عمل می‌کنند، تأکید دارد.

##### - تقویت اقتصادی

تقویت اقتصادی یکی از برجسته‌ترین عوامل برای تقویت و آماده‌سازی مسلمانان به منظور تحقق حاکمیت توحیدی است، چراکه خداوند از مال به‌عنوان قوام جوامع بشری یاد کرده است «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا».<sup>۱۰۶</sup> این آیه بر اهمیت مال در

۱۰۴. انفال، آیه ۶۰.

۱۰۵. حج، آیه ۴۱.

۱۰۶. نساء، آیه ۵.

۲۰۲ دین دنیای معاصر / سال ۱۱ / شماره ۲ / پیاپی ۲۱ / صص ۱۷۷-۲۰۹

جایگاه ابزار حفظ و بقای جامعه تأکید دارد و از این رو در جوامع اسلامی باید کسب ثروت به صورت مشروع تقویت گردد.

زمانی که تقویت اقتصادی به مثابه یکی از اصول حکمرانی اسلامی مطرح می‌شود، قرآن در ادامه، راهکارهای لازم برای تحقق این هدف را بیان کرده است.

### راهکارهای تقویت اقتصادی

#### - انفاق

یکی از مهم‌ترین راهکارها در تقویت نهاد اقتصادی جوامع اسلامی انفاق است که هم باعث فقرزدایی می‌شود و هم خود عاملی برای افزایش ثروت و برکت است. قرآن می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».<sup>۱۰۷</sup>

این آیه شریفه تصویری زیبا از برکت انفاق را ارائه می‌دهد. این تصویر نمادی از افزایش و گسترش ثروت است که به دست انفاق‌کنندگان بازمی‌گردد.

#### - توزیع عادلانه ثروت

دومین راهکار در تقویت اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت است. قرآن بر آن است که ثروت نباید در دست گروه خاصی متمرکز شود، بلکه همچون خونی در شریان‌های جامعه جریان یابد: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ».<sup>۱۰۸</sup>

#### - عوامل تضعیف

همانطوری که قرآن دستور داده تا با عواملی چون انفاق و توزیع عادلانه ثروت، نهاد اقتصادی جامعه تقویت شود، همانطور هم عوامل تخریب بنیان اقتصادی جامعه را یادآور شده است.

#### - اسراف

یکی از عواملی که عروق اقتصادی جامعه را می‌خشکاند، اسراف است. قرآن در این زمینه

۱۰۷. بقره، آیه ۲۶۱.

۱۰۸. حشر، آیه ۷.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی بخشایش ۲۰۳

می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».<sup>۱۰۹</sup> اسراف نه تنها منجر به هدررفت منابع می‌شود، بلکه برپایی اقتصاد پایدار را تهدید می‌کند.

#### - ربا

دومین عامل تضعیف‌کننده نهاد اقتصاد، ربا است. قرآن به صراحت از فساد و نابودی اقتصادی ناشی از ربا سخن می‌گوید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ».<sup>۱۱۰</sup> نقصان مال ربوی فقط اثر اخروی نیست، بلکه شامل نقصان دنیوی هم می‌شود.<sup>۱۱۱</sup>

#### بعد دوم قاعده نفی سبیل: پرهیز از تضعیف حاکمیت توحید

وجه سلبی آیه نفی سبیل و حدیث مذکور با لزوم پرهیز از هر چیزی که سبب تضعیف اسلام و سلطه کفار می‌شود به بار می‌نشیند.

#### عوامل تضعیف

##### - اختلاف

یکی از عوامل مهم که سبب تضعیف مسلمانان در برابر کفار می‌شود، اختلافات درونی است که قرآن به شدت از آن نهی کرده و می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ».<sup>۱۱۲</sup>

##### - اعتماد به دشمنان

عامل دوم، اعتماد و میل به دشمنان است که قرآن از آن بازمی‌دارد: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ الْتَأْرُ».<sup>۱۱۳</sup> اعتماد و میل داشتن به دشمنان سرچشمه آسیب‌های زیادی است که قرآن به آنها اشاره می‌کند و مسلمانان را از ارتکاب آنها نهی می‌کند.

##### - افشای اسرار برای دشمن (امنیت اطلاعاتی)

یکی از آسیب‌های ناشی از اعتماد به دشمن، بازگو کردن اسرار مسلمانان و اطلاعات حساس است. قرآن می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا».<sup>۱۱۴</sup>

۱۰۹. اعراف، آیه ۳۱.

۱۱۰. بقره، آیه ۲۷۶.

۱۱۱. طباطبایی، المیزان، ۲: ۴۲۳.

۱۱۲. انفال، آیه ۴۶.

۱۱۳. هود، آیه ۱۱۳.

۱۱۴. آل عمران، آیه ۱۱۸.

این آیه به وضوح بر لزوم حفظ اطلاعات حساس و دوری از اعتماد به دشمن تأکید دارد.

#### - مراجعه به طاغوت در داوری‌ها

مراجعه به طاغوت (نظام‌های غیرالهی) برای داوری‌ها نیز از جمله آسیب‌های میل به دشمنان است. قرآن می‌فرماید «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يُثَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا».<sup>۱۱۵</sup>

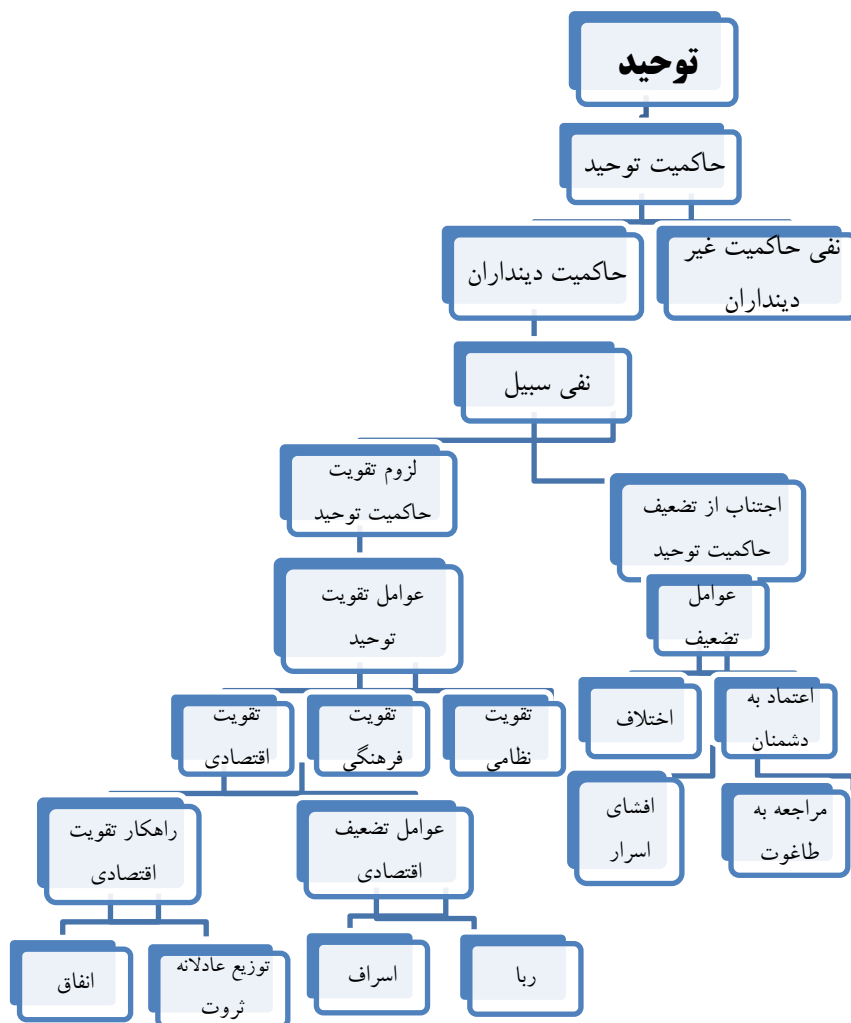
از آنچه به اختصار بیان شد، این نتیجه به وضوح نمایان می‌شود که دو ضلع اصلی تقویت اسلام و پرهیز از تضعیف آن باعث تحقق اصل «برتری اسلام و ضعف کفر» می‌شود. این اصل در قرآن به قاعده نفی سبیل شناخته می‌شود. در منظومه حکمرانی اسلامی، این دو اصل می‌توانند در جایگاه مبنای اصلی برای شناسایی و تبیین مصادیق مختلف عمل کنند و در نهایت به ایجاد یک حکمرانی قوی و مستقل اسلامی منتهی شوند که از تهدیدات بیرونی و سلطه کافران به طور مؤثر جلوگیری می‌کند.

وقتی حکمرانی توحید محور در جوامع بشری مستقر شد، ثمره آن آبادانی و پیشرفت این جوامع خواهد بود که قرآن از آن چنین یاد می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ».<sup>۱۱۶</sup>

حکمرانی اسلامی را می‌توان در جدول زیر ترسیم نمود:

۱۱۵. نساء، آیه ۶۰.

۱۱۶. اعراف، آیه ۹۶.



## ۷. نتیجه

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه آیات قرآن به اثبات مرجعیت علمی قرآن کریم پرداخت؛ به این معنا که قرآن توانایی جهت‌دهی، ارزیابی و کمال‌بخشی به علوم بشری را دارد.

این مرجعیت با استناد به نه دسته از آیات: آیات مربوط به هدایت عام، اقوام بودن هدایت قرآنی، تبیان بودن، غلبه دین، حکمت، نور، قیام بودن، محدودیت دانش بشری و تأثیر ایمان در پیشرفت تمدن‌ها به صورت مستدل اثبات گردید.

افزون بر تحلیل نظری، نمونه‌ای عینی از این مرجعیت در حوزه حکمرانی قرآنی ارائه شد که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از دل قرآن، الگوی منسجم حکمرانی اسلامی را با محوریت توحید، حاکمیت دینداران، تقویت مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و قاعده نفی سبیل استخراج کرد.

بر این اساس، قرآن نه تنها منبع هدایت معنوی، بلکه مرجعی راهبردی برای تعالی علمی، اجتماعی و تمدنی بشر است.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی بخشایش ۲۰۷

## سیاهه منابع

الف- منابع فارسی و عربی:

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغة. تحقیق: ابراهیم محمد ابوالفضل. چاپ اول. قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. تحقیق: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحریر و التنویر. چاپ اول. بیروت: مؤسسة التاریخ، ۱۴۲۰ق.  
ابن فارس، ابوالحسین. معجم مقاییس اللغة. چاپ اول. قم: انتشارات مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.  
جامی، عبدالرحمن بن احمد. شرح ملا جامی علی متن الکافیة فی النحو. تحقیق: مصطفی علی محمد. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.

جوادی آملی، عبدالله. تفسیر موضوعی. جلد ۱۶. چاپ هشتم. قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۷ش.  
جوهری، ابونصر. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. چاپ چهارم. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.

دیلمی، حسن بن محمد. اعلام الدین فی صفات المؤمنین. تصحیح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. چاپ اول. بیروت: انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۲ق.

زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. البرهان فی علوم القرآن. چاپ اول. بیروت: دار احیاء الكتب العربیة، ۱۳۷۶ق.

زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل. چاپ سوم. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

سروش، عبدالکریم. «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم» در: علم دینی، دیدگاهها و ملاحظات، به کوشش سید حمیدرضا حسنی، مهدی علی پور، و سید محمدتقی موحد ابطحی. ۳۳۵-۳۶۱ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.

سید رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه. تحقیق: صبحی صالح. چاپ اول. قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.  
سیوطی، جلال الدین. الإیتقان فی علوم القرآن. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۹۴ق.

۲۰۸ دین دنیای معاصر / سال ۱۱ / شماره ۲ / پیاپی ۲۱ / صص ۱۷۷-۲۰۹

شاذلی، سیدبن قطب. *فی ظلال القرآن*. چاپ هفدهم. بیروت: انتشارات دارالشروق، ۱۴۱۲ق.  
شیخ زاده، محمدبن مصطفی. *حاشیة محی الدین شیخ زاده علی تفسیر البیضاوی*. بیروت: دارالکتب  
العلمیة، ۱۴۱۹ق.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. *شرح اصول الکافی*. تحقیق: محمد خواجهوی. چاپ اول.  
تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.  
طباطبایی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات،  
۱۳۹۰ق.

طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو،  
۱۳۷۲.

طنطاوی بن جوهری. *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.  
طیب حسینی، سید محمود و حسین شم آبادی. «مبانی مرجعیت علمی قرآن از منظر دکتر صادقی  
تهرانی»، پژوهشهای قرآنی ۲۹، شماره ۱۱۱ (شهریور ۱۴۰۳): ۱۳۳-۱۶۰.  
عزتی بخشایش، محمد. «ادله روایی مرجعیت علمی قرآن کریم»، *مطالعات علوم قرآنی* ۶، شماره ۲۰  
(اسفند ۱۴۰۳): ۳۳-۶۳.

غزالی، ابو حامد محمد. *احیاء علوم الدین*. تحقیق: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی. بیروت:  
دارالکتب العربی، [بی تا].

فاکر میدی، محمد و محمدحسین رفیعی. «مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی»،  
*مطالعات علوم قرآنی* ۱، شماره ۱ (مهر ۱۳۹۸): ۸-۳۷.

فخر رازی، محمدبن عمر. *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی،  
۱۴۲۰ق.

فضل الله، سید محمدحسین. *تفسیر من وحی القرآن*. چاپ دوم. بیروت: انتشارات دار الملائک  
للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.

فیض کاشانی، محمدحسین. *تفسیر الصافی*. چاپ دوم. ایران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.  
فیومی، احمدبن محمد. *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. چاپ دوم. قم: مؤسسه دارالهجرة،  
۱۴۱۴ق.

کاشف الغطاء، جعفر. *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*. تحقیق: عباس تبریزیان. قم:  
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.

مدرسی، محمدتقی. *من هدی القرآن*. بیروت: دار القاری ۱۴۲۹ق.

مصباح یزدی، محمدتقی. *قرآن شناسی*. تحقیق: غلامعلی عزیزی کیا. جلد ۲. قم: انتشارات مؤسسه  
آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.

علم قرآن بنیان؛ واکاوی ادله قرآنی مرجعیت علمی قرآن / عزتی بخشایش ۲۰۹

مصطفوی، حسن. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰.

مغنیه، محمدجواد. *تفسیر الکاشف*. چاپ اول. قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.

مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.

موحد ابطیحی، سید محمدتقی. «نقد درون گفتمانی جریان علوم انسانی قرآن بنیان»، *راهبرد فرهنگ*، ۱۶، شماره ۶۴ (زمستان ۱۴۰۲): ۵۸-۳۳.

موسوی بجنوردی محمدحسن. *القواعد الفقهیة*. چاپ اول. قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷.

ب- وبسایت:

بیانات در محفل انس با قرآن کریم، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47709>